

اهمیت نگاه عکاسانه در عکس‌های زیارتی

مهدی فاضل

متفاوت است. چیزهای عجیب، اتفاقاتِ نادر، فضاهاى خاص و غیرعادی، اثر جمله مهم‌ترین مواردی هستند که در نگاه عامه، برای سوژه قرار گرفتن جهت عکاسی، واجد اهمیت اند و عامه‌ی مردم، به جستجوی چنین نوادری از فضاها و رویدادهایند تا با ثبت آنها، به گمان خویش، عملی عکاسانه انجام داده باشند! به عبارت دیگر ذهنیت چنین افرادی از عمل عکاسانه، تنها «یافتن» چنین چیزها و اتفاقات و ثبت آن با دوربین است! به عبارتی ماهیت عکس در چنین رویکردی، به وجهی «نمایشی» تنزل پیدا کرده است! ثبت و نمایش موضوع خاص یا عجیب با ابزار عکاسی!

اعتقاد به چنین اندیشه‌ای، نگاه عکاسانه با حداقل اهمیت آن را نفی خواهد کرد و اهمیت و موضوعیت را یکسره به اتفاقات در بیرون نسبت خواهد داد! درحالی که عکاسانه دیدن موضوعاتِ عادی و ساده‌ی پیرامون، که جامه‌ای عکاسی ست، فارغ از چنان رویدادهایی ست.

در عکس فردین نظری، تعدادی زائر درحال سلام دادن یا زیارتنامه خواندن ثبت شده اند، فارغ از اینکه چنین عملی در عکس مشخص هست یا نیست، این عکس، مصداقی از نگاه عکاسانه به موضوعی ساده است و در عکس، با مجموعه‌ای اثر عوامل و عناصری عادی مواجهیم که در

مرور عکس‌های دارای دید عکاسانه، ما را متوجه این نکته خواهد کرد که در بسیاری از این آثار، مجموعه‌ای از عوامل و عناصرِ عادی در یک کادر، به خلق یک اثر هنری منجر شده است؛ به گونه‌ای که اگر هر یک از این عوامل یا عناصر از آن عکس حذف شوند، عکس، ارزش خاص خود را از دست خواهد داد.

اساساً یکی از وجوه تمایز نگاه عکاسانه و کار عکاس، با نگاه افراد عادی در همین است که عکاس، اثر اتفاقات و اشیاء عادی پیرامون، که ممکن است هیچگاه نظر افراد عادی را برای عکاسی جلب نکند، اثر هنری خلق می‌کند. به عبارت دیگر، «سوژه‌گی» اشیاء و آدمها در نگاه عکاس و غیر عکاس

است اما آنچه نتیجه ی چنین رویکردی بوده است، ثبت آدمهایی ست در فضایی عمومی اما درحال انجام عملی خصوصی؛ و این یکی از وجوه عکاسانه بودن این عکس است... اثر سوی دیگر، همین خراویه ی دید دوربین و نوع نگاههای این خرازان، با درنظر گرفتن وضعیت فرد چهارم که قدری به سمت راست متمایل شده است، وجه اکسپرسیو آدمها را تشدید می کند و مخاطب را با تعلیق و ابهامی روبرو می کند که در خارج از کادر عکس جریان دارد و نقطه ی قوتی برای عکس محسوب می شود. و به همه ی اینها باید آسمان ابری و انتخاب عکاس در امرائه ی سیاه و سفید عکس را افزود که درجهت تشدید این فضای اکسپرسیونیستی، عالی عمل می کنند. حضور آدمهایی در پس زمینه و دورتر بصورت کوچک، علاوه بر اینکه به عکس، عمق بخشیده است، به ساختن دو فضای متفاوت، انجامیده است؛ فضای حضور و فضای غیاب. این دید عکاسانه است که از اتفاق عادی، و اشیایی عادی تر، فضایی خاص می سازد که بار دراماتیک آن، بر وجه نمایشی اش چیره می شود. چیزی که نقطه ی اوج آن را بعنوان یک جریان هنری در تاریخ عکاسی، در «عکاسی صریح» مشاهده می کنیم.

کنارهم، عکس را برجسته ساخته اند؛ نخست، نزدیک شدن به موضوع و سرو دس رو شدن با آن، اثر اهمیت برخوردار است؛ ما هیچگاه در مواجهه ی مستقیم و روبروی کسانی که رو به حرم، درحال سلام و عرض ارادت هستند نمی ایستیم؛ ممکن است حتی اثر جلوی چنین زائرنی عبور کرده باشیم و آنها را دیده باشیم اما هیچگاه رو به روی ایشان نمی ایستیم. از این نظر، عکس، چیزی را به مخاطب ارائه می دهد که درعین حالی که برای وی آشناست، اما شاید هیچگاه برای او برجسته نشده و برآن تأکید نگردیده است. عکس، صحنه ای صرفاً مستند را نشان می دهد اما چیزی در عکس، آن را به سمت فضایی اکسپرسیونیستی سوق داده است. عکاس برای ثبت این عکس، خراویه ی دید از پایین را انتخاب کرده است و این باعث عظمت بخشی به سوژه شده است. ممکن است عکاس، این زاویه را به این دلیل انتخاب کرده باشد که دوربین را برای اینکه جلب توجه نکند، بدون نگاه کردن به منظره یاب، در موقعیتی پایین تر از سطح چشم قرار داده و بطور نامحسوس اقدام به عکاسی کرده است، که با توجه به استفاده از فاصله کانونی کم لنز، و نوع نگاه زائران، چنین اتفاقی محتمل

عکس: فردین نظری

